



آب کالایی چند وجهی است؛ عمومی، اقتصادی و خاص. ارزش اقتصادی آن به ویژه در مناطق خشک و نیمه خشک انکارناپذیر است و توسعه اقتصادی و اجتماعی در این نواحی وابسته آن می‌باشد. آب ماده‌ای بی‌همتا و غیرقابل جایگزین برای اکوسیستم و انسان بوده و بدین لحاظ جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد. بنابراین، کارآمدی یا ناکارآمدی مدیریت آب می‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای بر جوامع انسانی و محیط طبیعی بگذارد. چند وجهی بودن آب، موجب تعدد دیدگاه‌ها نسبت به آن و نوعی سردرگمی گشته است. این امر به نوبه خود منجر به برداشت‌های متفاوت و حتی متعارض از ماهیت اجتماعی-اقتصادی آب و رویکردهای مدیریت آن شده است. لذا بنظر می‌آید ابهام‌زدایی در مورد مفاهیم مدیریت آب ضروری است. آنچه ارایه می‌شود طرح نظرگاه نویسندگان است. از خوانندگان محترم دعوت می‌گردد تا این یادداشت را برای دستیابی به وضوح بیشتر، نقد و بررسی کنند و مطالب خویش را برای درج به نشریه آب و توسعه پایدار منعکس نمایند.

«هیأت تحریریه نشریه»

چکیده

جامعه‌شناسی علمی است که با تأکید بر پدیده‌های اجتماعی، به مطالعه ساختارها و نهادها و نیز روابط و گروه‌های موجود در یک جامعه می‌پردازد. این علم در سه دهه گذشته نقشی فزاینده در مباحث مدیریت آب یافته است. به تناسب این نقش، برخی مفاهیم و واژگان از این علم وام گرفته شده و در حوزه مدیریت آب کاربرد یافته و رایج گردیده‌اند. اما در بسیاری از متون فارسی مدیریت آب، کاربرد این واژگان با بی‌دقتی همراه شده است. این یادداشت به تشریح برخی از این واژگان (مرتبط با کلمه Stakeholder) و ابهام‌زدایی از مفاهیم آنها پرداخته است. به این منظور، برداشت‌های متخصصان با دیدگاه‌های متفاوت (علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت، مهندسی صنایع، محیط‌زیست، و مهندسی آب) از مفاهیم مورد نظر پرسش و پردازش شد. سپس این نظرات جمع‌بندی گردیده و در نهایت، برگردان مناسب برای هر کلمه پیشنهاد گردیده است. در انتها اشاره‌ای به زیر مجموعه‌های کلمه Stakeholder شده است تا باب بحث را برای آنها نیز بگشاید.

کلید واژه‌ها: گرودار، کنشگر، کنشگر کلیدی، مدیریت آب.

۱- مقدمه

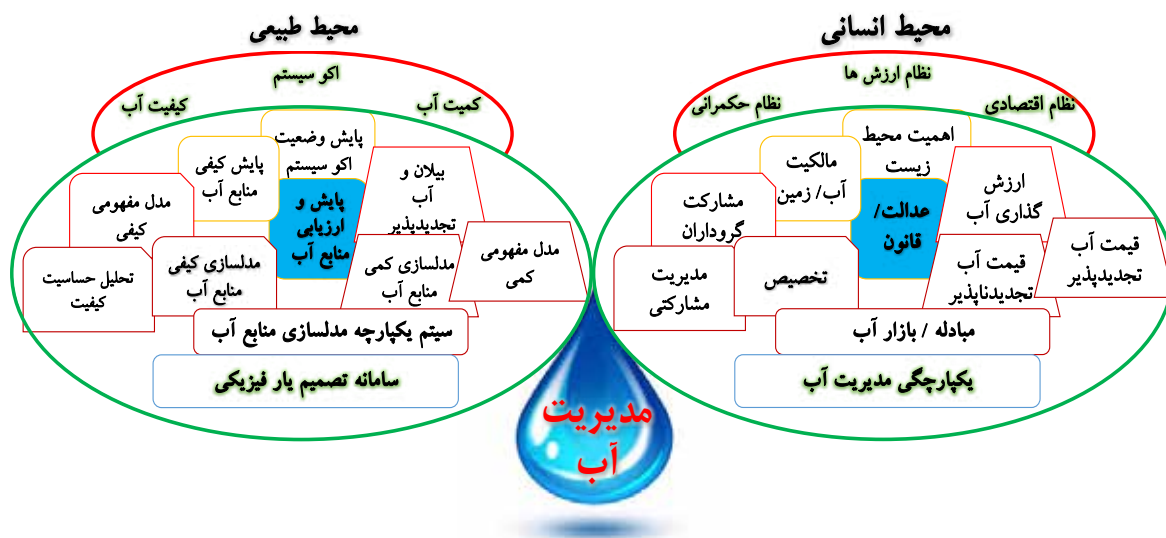
آب یک منبع حیاتی و کمیاب است که موجودات زنده بطور مستمر به آن نیاز دارند. همچنین کالایی با ارزش و غیرقابل جایگزین در توسعه اجتماعی و اقتصادی است. آب غیر قابل جایگزین است زیرا به عنوان نمونه، گرچه کشاورزی بدون خاک امکان‌پذیر است، اما بدون آب حتی تصور کشاورزی هم غیر ممکن است. از طرف دیگر این کالای غیرقابل جایگزین (آب)، از نظر مالکیت جزء مشترکات است. زیرا همه به آب در حد شرب و بهداشت نیازمندند و حتی در اعلامیه حقوق بشر هم تأمین آب شرب و بهداشتی سالم وظیفه‌ای برای دولت‌ها تلقی شده است. اما مشترک بودن آب، اگر به درستی مدیریت نشود، خود موجب مشکلات خواهد بود؛ آنطور که «گارت جیمز هاردین» بوم‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۶۸ در مقاله‌ای با عنوان «تراژدی منابع مشترک» شرح داده است. یک مرتع مشترک بین دو دامدار را تصور نمایید. هر دامدار یک گاو دارد و اجازه دارد

تا به رایگان گاو خود را برای چرا به این مرتع ببرد. سهم هر دامدار ۵۰ درصد است. اما اگر یکی از دامدارها یک گاو دیگر هم به مرتع ببرد، دامدار دیگر مجبور است برای آنکه به سهم ۵۰ درصدی خود برسد، او نیز گاوی دیگر به مرتع ببرد و البته هر دو دامدار به نسبت زمانی که تنها یک گاو داشتند، سودی بیشتر می‌برند. به همین ترتیب برای داشتن سود بیشتر، هر یک از دامدارها به تعداد گاوهایشان اضافه خواهند کرد و احتمالاً عدالت در این است که سهم ۵۰ درصدی‌شان نیز حفظ شود. در حالیکه این رقابت برای دستیابی به سود بیشتر، موجب نابودی مرتع می‌شود. معمولاً در محاسبات اقتصادی مرسوم به پایداری منابع (در این مثال: کمیت و کیفیت مرتع) کمتر توجه می‌شود. این مقاله هاردین، بحث‌های زیادی را برانگیخت که دامنه آنها از حوزه بوم‌شناسی و علوم طبیعی فراتر رفت و به حوزه‌های سیاست و اقتصاد نیز تعمیم یافت. تجربه مدیریت آب در کشورهای مختلف نشان داده است که بحران آب در بسیاری از موارد ناشی از کمبود آب نبوده بلکه متأثر از عدم توجه به مقوله پایداری در توسعه و ضعف مدیریت آب است. بر این اساس، می‌توان نشان داد رابطه معنادار و مشخصی بین ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور و نحوه مدیریت آب در آن وجود دارد. به نحوی که این مدیریت، تابعی از این ساختارها بوده، اگرچه که تأثیرگذار بر آنها هم بوده است. نکته مهمی در تئوری آقای هاردین وجود دارد که در مدیریت آب کشور کمتر به آن توجه شده است: «منابع مشترک دارای خصلت رقابت‌پذیری هستند». یعنی استفاده بیشتر از منابع مشترک توسط هر بهره‌بردار، موجب کاهش سهم سایر بهره‌برداران می‌شود و تسلسل رقابتی برای برداشت بیشتر ایجاد می‌نماید. بنابراین مدیریت آب باید با تدبیر بگونه‌ای عمل نماید که نه تنها رقابت بر سر برداشت بیشتر را دامن نزند، بلکه هم‌افزایی در حفاظت از این منبع مشترک را فراهم سازد. چنین مدیریتی نیازمند شفافیت، جلب اعتماد و مشارکت آبران است. علاوه بر این، اصل پایداری باید رعایت گردد، یعنی موجودات زنده‌ای که در این اکوسیستم با استفاده از آب دوام و بقا داشته‌اند، نباید از آب محروم گردند و نیز دسترسی نسل‌های آینده این سرزمین به منابع آب دچار محدودیت نشود.

۲- مدیریت آب

تجربه‌های موجود و چالش‌های به وجود آمده در حوزه مدیریت و بهره‌برداری از منابع طبیعی بطور عام و منابع آب بطور خاص، نشانگر این واقعیت است که مدیریت کارآمد بر این منابع (چه در حوزه سیاست‌گذاری و چه در حوزه بهره‌برداری) امری میان‌رشته‌ای بوده و نیازمند رویکردی فرابخشی، عمومی و کل‌نگر است. در واقع دخالت عوامل متعدد انسانی، شبکه‌ای تنیده از روابط اقتصادی-اجتماعی-سیاسی پیرامون «منابع-مصارف آب» ایجاد نموده است. علاوه بر این، عوامل طبیعی (از جمله مسئله گرمایش جهانی) منشاء عدم قطعیت‌های بسیار هستند. بنابراین، مدیریت آب ابعاد متعدد و دامنه مکانی و زمانی گسترده دارد و ماهیتاً بسیار پیچیده است. لذا، مدیریت مرسوم آب در کشور نیازمند تحولی کلی و جدی است. تجربه چند دهه اخیر مدیریت آب در ایران حاکی از آن است که تاکنون بیشتر بعد فنی-عملیاتی مدیریت آب مورد توجه بوده و به دیگر ابعاد آن، بویژه حوزه علوم انسانی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی) کمتر توجه شده است و متأسفانه همین روال

همچنان تداوم دارد. ادامه این روند، موجب لاینحل ماندن مسائل در حوزه انسانی گشته و متعاقباً ریشه بخش عمده‌ای از مشکلات و چالش‌های آبی کشور خشک نشده و باقی می‌ماند. البته باید یادآوری نمود که به تازگی اقدامات امید بخشی در رابطه با مباحث علوم انسانی در وزارت نیرو کلید خورده است. شاید بتوان این رویکرد جدید مدیریت آب را رویکرد «حکمرانی خوب برای آب»، تلقی نمود؛ که در آن به جامعه و ارزش‌های آن نیز توجه می‌شود. شکل (۱) فضای مدیریت آب در این رویکرد جدید را بطور اجمالی نشان می‌دهد. در این شکل، مدیریت آب دارای مؤلفه‌هایی در هر دو محیط طبیعی و انسانی است و با اقدامات متناسب در هر دو محیط به انجام می‌رسد و البته با مشارکت حداکثری مردم. در واقع، مدیریت آب هنگامی به نتیجه مطلوب خواهد رسید که اقدامات همزمان و متعادل و متناسب در هر دو عرصه را برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی نماید. بدیهی است حداقل نیاز مدیران برای ساماندهی وضع وخیم آب کشور، داشتن داده و اطلاعات موثق و کافی از هر دو محیط است.



شکل ۱- شبکه مدیریت آب و مؤلفه‌های آن (صرفاً نمونه‌ای از عناوین در شکل ارائه شده است)

تاکنون سهم محیط طبیعی از منابع آب به دلیل عدم تأثیرگذاری مستقیم بر فرآیند مدیریت آب نه تنها احقاق نگردیده بلکه به آن اجحاف شده است. ضروری است تا در رویکرد جدید ضمن هماهنگی میان بخش‌های مختلف، با جامع‌نگری پایداری اکوسیستم مورد تأکید قرار گیرد. ایجاد این هماهنگی میان‌بخشی و نیز فراهم‌ساختن بستر مشارکت مردم، نیازمند زبان مشترک برای دسترسی به اجماع است. در واقع یکسان‌سازی اصطلاحات و عبارات برای کاربرد در گفتگوها از اصول اولیه برای انتقال مفاهیم و مفاهیم میان تمامی مشارکت‌کنندگان در فرآیندهای مدیریت آب است. بویژه که در رویکرد جدید، برخی کلمات از حوزه علوم انسانی در حال ورود و رواج یافتن در حوزه مدیریت آب هستند. نبود تعریفی مشخص و استاندارد از این

کلمات و اصطلاحات در حوزه مدیریت آب باعث کج‌فهمی‌ها و تشدید اختلاف‌نظرهای گردد. این یادداشت توجهی خاص به کاربرد واژه Stakeholder در حوزه مدیریت آب دارد. همچنین سایر واژگان مرتبط با آن، مانند Actor و Proactivist مد نظر قرار گرفته‌اند. در حال حاضر، کلمات متعددی در زبان فارسی برای انتقال مفهوم Stakeholder مورد استفاده قرار دارند. در این یادداشت سعی شده است تا به استناد دیدگاه‌های متخصصان مختلف، واژه‌ی برگردان شده مناسبی برای کلمات مزبور گزارش گردد. قبل از ورود به بحث تعریف کلمات از فرهنگ لغت استخراج گردید که مناسب‌ترین این تعاریف در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱- تعاریف منتخب از فرهنگ لغات (مرتبط با حوزه مدیریت آب) برای کلمات مورد نظر

Proactivist	Actor	Stakeholder
An actor who makes things happen or change, rather than reacting	A participant in an action or process	A person with an interest or concern in something

جدول ۲- نظرات و دیدگاه‌های متخصصان مختلف مورد مشورت

Proactivist	Actor	Stakeholder	حوزه تخصصی
چندان مورد استفاده نیست	معادل پیشنهادی: کنشگر شرح: فرد یا گروهی است که به اختیار و آگاهانه تصمیم می‌گیرد.	معادل پیشنهادی:- شرح: کسی است که در یک دارایی مشترک سهیم است به معنای سهام‌دار و گاهی هم شریک مورد کاربرد است.	علوم اجتماعی
معادل پیشنهادی: کنشگر کلیدی شرح:-	معادل پیشنهادی: کنشگر شرح: کسانی هستند که می‌توانند تصمیمات موثری اتخاذ نموده و اقدام نمایند. کلمه عامل و یا بازیگر هم مورد کاربرد است. کلمه کنشگر که به تازگی رواج یافته پسندیده‌تر است.	معادل پیشنهادی:- شرح: کلمه ذینفع مورد کاربرد است. البته این کاربرد شامل ذینفع و ذی‌ضرر (هم‌گروه تأثیرگذار و هم‌گروه تأثیرپذیر) می‌باشد.	مهندسی صنایع
معادل پیشنهادی:- شرح: شخصی که اقدام به وضع قوانین، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌کند و اقدامات پیشگیرانه انجام می‌دهد. کنش‌گرا و پویش‌گرا است. سیستم باز و فعالی که خود اقدام به تصمیم‌گیری و کنترل می‌کند پیش از اینکه تحت تأثیر تصمیمات دیگر قرار گیرد.	معادل پیشنهادی:- شرح: شخصی است که بر اساس قوانین و ضوابط جاری اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند.	معادل پیشنهادی: ذی‌اثران شرح: به کلیه اشخاصی گفته می‌شود که از یک شخصیت حقوقی (شرکت، موسسه، سازمان، ...) سود می‌برند، و این اشخاص لزوماً سهام‌دار نیستند. به عبارت دیگر این واژه هم «ذی‌نفعان» و هم «ذی‌ضرران» را دربر می‌گیرد. به نقل از استاندار دانش مدیریت پروژه (PMBOK)، به معنی کسانی است که بر روی پروژه تأثیر می‌گذارند و یا از آن تأثیر می‌پذیرند. شاید بتوان واژه «ذی‌اثران» را معادل مناسب‌تر و جامعی‌تری از کلمه مورد کاربرد کنونی (ذینفعان) به حساب آورد.	مدیریت
معادل پیشنهادی: کنشگر پیشتاز شرح: کنشگرانی با انگیزه که به جای چانه‌زنی در شرایط جاری برای کسب سهم بیشتر، تحول خواهند و سعی در تغییر وضعیت جاری با تغییر قواعد بازی دارند. (تا کنون کاربرد نشده است).	معادل پیشنهادی: کنشگر شرح: کنشگر هر گروهی است که قدرت تصمیم‌گیری و ابراز وجود داشته باشد. کاربرد کلمه کنشگر رایج است. به عبارت دیگر کنشگران کسانی هستند که در مقام برنامه‌ریزی و مدیریت آب (برای زمان حال و آینده) بازیگرند و نقش‌آفرینی می‌کنند.	معادل پیشنهادی: گروه‌داران شرح: این کلمه در حوزه‌های عمومی (مانند مدیریت آب)، شامل گروه‌هایی می‌شود که به نحوی در فرآیند مدیریت آب باید ملاحظه شوند. شاید عبارت «آنها که در گروی آب‌اند و یا آب در گروی آنهاست» معرف خوبی باشد.	مدیریت آب
معادل پیشنهادی: کنشگر شرح: فرد یا گروه یا نهادی فعال و آینده‌ساز است، که فارغ از منافع فردی یا گروهی یا نهادی، به اخلاق بین‌نسلی معتقد بوده و سعی می‌کند تا آینده مطلوبی را که در نظر دارد طراحی کرده و مسیرهایی را برای دسترسی به آن پدید آورند.	معادل پیشنهادی: عامل یا بازیگر شرح: فرد یا گروه یا نهادی است که در نقش یا قالب داده شده قرار گرفته و به دفاع از سهم خودش در برنامه‌های جاری (دیگته شده) می‌پردازد.	معادل پیشنهادی: گروه‌داران شرح: فرد یا گروه یا نهادی است که علاقه یا سهم یا تأثیری از فعالیت یا پدیده‌های در وضعیت جاری یا در حال اجرا یا در آینده دارد.	محیط‌زیست

۳- کلمه ذی‌اثران اگرچه کلمه بامسمایی است ولی فارسی محسوب نمی‌گردد.

واژه Actor در فرهنگ لغت اکسفورد با عبارت «فرد یا گروهی که در یک اقدام و یا فرآیند مشارکت می‌نماید» معنا شده است. کلمه Proactivist، خود نوعی از Actor محسوب می‌شود و در فرهنگ لغت اکسفورد با عبارت «فرد و یا گروهی که ایجاد اتفاق و یا تغییر را رقم می‌زند و یا نسبت به واقعه‌ای احتمالی پیش‌دستانه واکنش نشان می‌دهد» معنا شده است. در واقع کلمه Proactivist علاوه بر جنبه تحول خواهی به تلاش خودجوش و نوعی ایثارگری اشاره دارد. متخصصان مورد مشورت، دو نوع پیشنهاد برای این دو کلمه مطرح نمودند. پیشنهاد اول کاربرد کلمه عامل و یا بازیگر برای Actor، و کاربرد کلمه کنشگر برای Proactivist است. پیشنهاد دوم نیز مشابه بوده با این تفاوت که برای Actor، کلمه کنشگر، و برای کلمه Proactivist، کنشگر کلیدی و یا کنشگر پیش‌تاز را کاندید نموده است. نگارنده برای برگردان کلمه Actor واژه کنشگر برای Actor را که در حال حاضر در حوزه علوم اجتماعی رایج است، توصیه می‌نماید. کلمه Proactivist در حال حاضر کاربرد چندانی در ایران ندارد، اما به نظر تفکیک مناسبی برای وضوح بیشتر در مباحثات است. واژه کنشگر کلیدی در تحلیل‌های (Stakeholder OR Actor Analysis) در علوم اجتماعی، معنای خاص و کاربرد دارد؛ و منظور از آن کنشگری است که سایر کنشگران او را مرجع می‌شناسند و از او پیروی می‌کنند. چنین کنشگری، ممکن است لزوماً تحول‌خواه و پیش‌تاز نباشد (و حتی محافظه کار باشد). بنابراین، نگارنده واژه «کنشگر پیش‌تاز» (یا پیش‌رو) را مناسب تر یافته و توصیه می‌نماید.

غیر آب‌بران (مانند اکو-توریسم) تقسیم می‌شوند. آب‌بران از آب سهم دارند و از آن استفاده نافع نموده و یا نفع می‌برند. این گروه خود به سه زیرگروه تفکیک می‌گردد: حبابه‌بران (یا آب‌بران قانونی)، اکوسیستم و سایرین (بهره‌برداران غیرمجاز). تصویر ب (سمت چپ) در شکل (۲)، به تقسیم‌بندی کنشگران اشاره دارد. کنشگران، گروهی خاص از گرداران‌اند که در فرآیند تصمیم‌سازی نقش ایفاء می‌نمایند. تفاوت اصلی کنشگران با گرداران در این است که در مقام برنامه‌ریزی منابع آب، اکوسیستم و نسل‌های آینده اگرچه گردار هستند ولی کنشگر نیستند. یعنی نقشی و تأثیری در فرآیند مدیریت آب ندارند. معمولاً گروه‌های اجتماعی به دفاع از حقوق اکوسیستم و نسل‌های آینده بر می‌خیزند و در فرآیند مدیریت آب اثر می‌گذارند. در تصویر ب، این گروه با نام علاقمندان مشخص شده است که منظور همان سازمان‌های مردم نهاد (سمن‌ها) و یا از این قبیل می‌باشد. لازم به ذکر است که وجود گروه‌های علاقمندان برای تأسیس و نیز برای کارایی و تأثیرگذاری لازم نیازمند کنشگران پیش‌تاز (Proactivist) می‌باشند.

در این بررسی به پنج تن از متخصصان (در پنج دانشکده از دانشگاه فردوسی مشهد) که واژگان مورد نظر در حوزه تخصصی ایشان کاربرد دارد مراجعه و کسب نظر گردید. مشارکت کنندگان شامل نامبرندگان ذیل بودند: (۱) دکتر احمدرضا اصغرپور ماسوله از گروه علوم اجتماعی؛ (۲) دکتر حمیدرضا کوشا از گروه مهندسی صنایع؛ (۳) دکتر محمد لگزیان از گروه مدیریت؛ (۴) دکتر کامران داوری از گروه علوم و مهندسی آب؛ و (۵) دکتر مهدی کلاهی از گروه مرتع و آب‌خیزداری. کلمه Proactivist به پیشنهاد دکتر مهدی کلاهی به فهرست واژگان افزوده شد. خلاصه‌ی نظرات ایشان در جدول (۲) ارائه گردیده است. تمامی متخصصان مزبور معتقد بودند که واژه ذی‌نفع برگردان مناسبی برای Stakeholder نمی‌باشد و در انتقال مفهوم دارای ابهام است. زیرا این کلمه شامل گروه ذی‌نفع، گروه ذی‌ضرر و نیز مسئولین است. همچنین برخی از متخصصین معتقد بودند که در مفهوم این کلمه معنای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (علاوه بر توجه به سود و ضرر) نیز مستتر است که باید مورد تأکید قرار گیرد. واژه‌های ذی‌اثران و گرداران برای برگردان این کلمه پیشنهاد شد. در مجموع با توجه به موارد مشروح زیر، نگارنده کاربرد کلمه **گردار** را به عنوان برگردانی مناسب برای Stakeholder در حوزه مدیریت آب پیشنهاد می‌نماید.

۱- در فرهنگ لغت اکسفورد (جدول ۱) Stakeholder با عبارت «کسی و یا گروهی که دارای علاقه و یا دغدغه نسبت به چیزی است» معنا شده است.

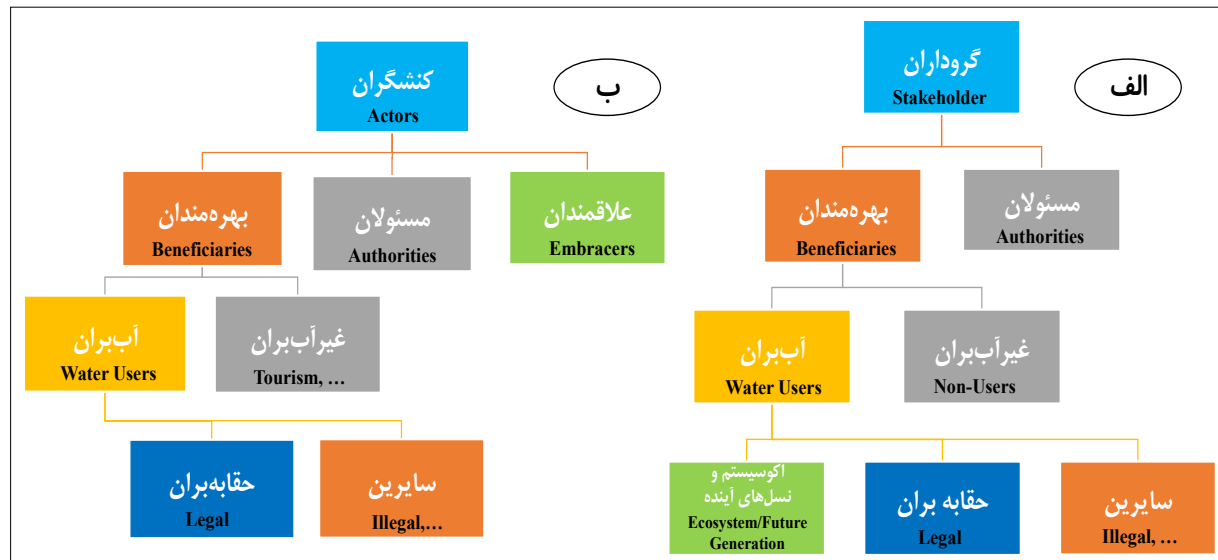
۲- کتاب «یاری‌گری گرداران در حکمرانی فراگیر آب» که اخیراً چاپ گردیده است، Stakeholder را گردار ترجمه نموده است (درودیان، ۱۳۹۶).

۴- انواع گرداران در مدیریت آب

شکل (۲) به تفکیک زیرمجموعه‌های گرداران در حوزه مدیریت آب اشاره دارد. در این شکل، کلمات کلیدی مرتبط با گرداران که در حوزه مدیریت آب مورد استفاده قرار دارند دسته‌بندی و نمایش داده شده‌اند. تصویر الف (سمت راست) در شکل (۲)، گرداران را به دو گروه اصلی تقسیم‌بندی کرده است. گروه اول گردارانی هستند که از آب موجود در زمان حاضر، سهم و یا بهره دارند. این نوع گرداران خود به دو دسته اصلی از نظر ارتباط با آب قابل تفکیک هستند. گروهی که بصورت مستقیم از منابع آب بهره‌مند می‌شوند که با کلمه بهره‌مندان (ذی‌نفعان) مشخص شده‌اند. گروه دیگری از گرداران کسانی هستند که از آب بهره‌ای ندارند بلکه این گروه نسبت به آب مسئولیت (عرفی و یا رسمی) دارند. این گروه شامل شرکت‌های آب منطقه‌ای، دادگستری‌ها (قوه قضائیه)، نیروی انتظامی و... می‌باشد؛ که به عبارت دیگر مسئولان یا دست‌اندرکاران مدیریت آب (ذی‌مدخلان) هستند که مدیریت صحیح آب در گروهی تصمیمات ایشان قرار دارد. بهره‌مندان خود به دو گروه آب‌بران و

اندازه تأثیرگذاری کنشگران بر فرآیند مدیریت آب (ناشی از نفوذ یا قدرت ایشان) بسیار متفاوت با یکدیگر است. به عنوان نمونه یک کشاورز ممکن است اثر چندانی نداشته باشد در حالیکه نقش آفرینی اتحادیه کشاورزان می‌تواند بسیار موثر واقع گردد. رئیس اتحادیه کشاورزان که نقش پررنگی در تصمیم‌گیری‌های اتحادیه دارد و تصمیم او می‌تواند اثر بزرگی

بر دیگر کشاورزان داشته باشد، یک کنشگر دارای نفوذ و کلیدی است. مقامات اصلی دولتی و قضایی هم کنشگران با قدرتی هستند که نقشی کلیدی در فضای مدیریت آب دارند. باید یادآوری نمود که نقش بسیار برجسته رسانه‌ها در فضا سازی، نقشی کانالیزوری است که در جانبداری از هر طرفی شکل گیرد کارساز است.



شکل ۲- زیرمجموعه‌های گروداران و کنشگران

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پارادیم جدید مدیریت آب، بر توجه متناسب و هماهنگ مدیریت آب به هر دو محیط طبیعی و انسانی تأکید دارد. ورود این پارادیم به عرصه مدیریت آب کشور، فرهنگی جدید به همراه دارد که نیازمند زبانی مشترک برای انتقال مفاهیم آن میان متخصصان مختلف حوزه مدیریت آب است. در این شرایط، اهمیت واژه‌یابی مناسب برای انتقال درست این مفاهیم دو چندان شده است. در این نوشتار به بیان مبانی برای روش‌ترنمودن این ضرورت پرداخته و به ابهام‌زدایی از کاربرد کلمه مناسب در انتقال مفهوم Stakeholder پرداخته است. در کاربردهای قبلی برای انتقال مفهوم Stakeholder کلمه ذی‌نفع مورد کاربرد بوده است که دارای ابهام می‌باشد. در واقع، ذی‌نفعان (بهره‌بران) فقط اشاره به گروهی خاص از گروداران دارد. در کاربردهای اولیه توجه به نفع و ضرر مطرح گردیده است در حالی مسئولان و علاق‌مندان به خودی خود نفع و ضرری از تغییر فرآیند مدیریت آب متوجه‌شان نیست و بدین لحاظ جزء ذی‌نفعان محسوب نمی‌گردند ولی گرودار هستند. علاوه بر این، نظرات متخصصین مورد مشورت بر توجه به مفهوم اثرگذاری و اثرپذیری در برگردان کلمه Stakeholder تأکید داشت. بنابراین این، واژه «گرودار» به عنوان مناسب‌ترین برگردان برای کلمه Stakeholder پیشنهاد گردید. همچنین کاربرد واژه کنشگر برای برگردان کلمه Actor و واژه مرکب کنشگر پیشنهاد شد.

برگردان کلمه Proactivist توصیه گردیده است. منشاء عضویت در گروداران آب، داشتن حق و یا وظیفه‌مندی است. تفکیک صحیح این مفاهیم از یکدیگر اهمیت دارد زیرا در کاربردهای قبلی حقوق اکوسیستم و نسل‌های آینده نامشخص بوده آنان در زمره گروداران تعریف نشده بودند. حضور در مجموعه کنشگران، ناشی از قابلیت ابراز نظر و توانایی پی‌گیری و مطالبه آن است. بدین لحاظ اکوسیستم و نسل‌های آینده که قابلیت ابراز نظر ندارند در این مجموعه حضور ندارند. اما علاق‌مندان به نیابت از ایشان در فضای کنشگری نقش‌آفرینی می‌نمایند. گروه‌های ضعیف اجتماعی یا صنفی نیز بدلیل عدم توانایی کافی در پی‌گیری و مطالبه حقوق خود، نقش‌آفرینی چندانی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مدیریت آب ندارند. از این رو، توجه به توانمندسازی گروه‌های ضعیف اجتماعی یا صنفی و نیز علاق‌مندان (سمن‌ها و سایر کنشگران محیط‌زیستی و طرفدار پایداری توسعه) به منظور رشد قابلیت ابراز نظر و توانایی پی‌گیری مطالبات و با هدف واگذاری نقش شایسته به ایشان در فرآیند مدیریت آب ضرورتی جدی و فوری دارد.

۶- منابع

دورودیان، ح. ر. ۱۳۹۶. یاریگری گروداران در حکمرانی فراگیر آب. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.